

روابط الیام و اتفاق دولتین بهیچین و ضوابط اسباب یگسگی و مصادقت شوکتین  
 سنیتین بر موالیان حضرتین واجب و لازم است که پیوسته به تهریر و تفریر  
 رحل و رسایل که برای حفظ اسباب موالات و مصانات از احسن وسایل است  
 پردازند در اینوقت بنگارش این مراسم خلعت مواعله مبادرت رفت و ضمناً  
 بر رای اصابت پیرا مرفوع و منکشف میدارد که درین اوقات نظر بوقوع  
 بعضی حادثات در تغور و سرحدات اعالیحضرت قدر قدرت قضا شوقیت  
 شاهنشاهی بر ذمم ملوکانه خود لازم دیدند که بیواسطه در کمال استعجال  
 مراتب را در طی نامه خلعت حتامه نگارش و حقیقت اوضاع را بر رأی عدالت  
 پیرای اعالیحضرت قدر قدرت قضا شوکت امیراطوری محقق و معلوم دارند  
 لهذا نامه همایون را مرقوم عالیجاه مجدت همراه میرزا عباس منشی اول دول  
 خارجه را مامور فرمودند که نامه مبارک را بآن جناب رسانیده چنانچه مقتضی  
 رسوم دولخواهی و صلاح اندیشی دولتین فی شوکتین است آن جناب زحمت  
 کشیده و انجمن حضور اعالیحضرت ابلاغ نمایند یقین است که آن جناب نظر  
 به مقتضیات دولت خواهی دولتین فحیمتین نامه همایون را بانجمن حضور اعالیحضرت  
 ابلاغ و جواب حاصل کرده عالیجاه مشار الیه را رخصت ایاب خواهند داد  
 از اینکه عالیجاه مشار الیه از صورت ماحرا کما جری مطلع و از مراتب  
 مرقومه استحضاری کامل دارد چنانچه مراتب را از عالیجاه مشار الیه استفسار  
 نمایند حقیقت را معلوم رای صوابنمای آن جناب خواهد داشت طریق و وثیقه  
 مصافحات بیوه مرضیه موالات مقصی آنست که پیوسته او فوات دوستان یگسگی  
 بنیان را بنگارش مراسلات مودت آیات و ارجاع مهمات مسرور و مبتیج دارند  
 مضاف اصلی و مهمه در نامه شاه بامیراطور ذکر شده و کاغذ مبرز  
 تقیحان فقط حاکی از نرسیده میرزا عباس منشی اول وزارت دول خارجه و توجه  
 مسائل دولتین است .

برداشت نامه شاه تذکر سابقه دو صورت دولس است و پس از آن  
 مگردید آوری که در دولت وقوع بنویسد پس از حقیقیه ائمان میتوان  
 بطور خوشی جمع کرد . . . هرگز به اندازه عمل آورد . . . رفتار  
 ماسورین روسیه را از دریا بگی و کسول گرفته اند . . . و  
 سیاسی میگردد که مور کرجان در کیم ایست را بنویسند . . . و  
 محبت نرسیده . . . این مارت که نامور مریه و . . . و  
 عظیم کارگذاری خود سمعه و نوق الواهم در نشر اولیای آن دولت جاری می

دهند» بسیار مهم و قابل تعصبین و تأمل است . و همچنین از اعمال خود سرانته آنان که بدون تحقیق و غوررسی و اطلاع دولت متبوع خود خواهشهای طاقت ناپذیر میسایند شکایت کرده رفتار دریا بیگی آشوراده را با ترکمانان که موجب ضبط لشکرها و قطع تجارت آنها شده است خاطر نشان میسازد و صریحاً میگوید که دولت ایران عواقب نا محدود این طرز رفتار را بماموران روسیه رسماً اعلام داشته بود ولی مفید نیفتاد و دریا بیگی دست از رفتار دشوار و سخت خود بر نداشته حاکم مازندران را مسئول جلوه میداد . و اگرچه عدم رضایت ایران را در خلع مهد قلی میرزا با این عبارت که چون « بخواستیم که از این راه برودنی حاصل شود بناچار و بی اراده از خود علی العجاله قبول کردیم » بدربار پترزبورگ ابلاغ مینماید و از تزار روس میخواند که نماینده او باین رویه ناپسند خاتمه دهد و صدور اختیارات او را نیز محدود و معین نمایند و بالاخره بآمدن سالداتهای روسی در آشوراده اعتراض میکند و برای تسکین افکار عمومی در استرآباد مازندران احضار آنان را میخواهد

میرزا عباسخان عزیزمت روسیه کرد چون بققاز رسید مریض شد ولی بنا بر سفارش مخصوص امیر با شدت مرض خود را بمسکو که امپراطور بد آنجا آمده بود رسانید در مسکو تا بهبود با خوشی صبر کرد و از آنجا بسوی پترزبورگ راهی شد در خلال همین ایام بود که امیر معزول و در اوضاع سیاسی کشور ما يك تشنج سختی بدید آمد . از میرزا عباس نیز در پترزبورگ پذیرائی گرمی نمودند و هنگام مراجعت از طرف امپراطور بيك قطعه نشان و يك حلقه انگشتری الماس تشریف یافت ولی جواب قانع کننده و دلخواه در یافت نداشت

میرزا عباسخان در مراجعت چون بشهر نوچرکس رسید محمد حسین خان قزوینی صدر دیوانخانه را که سفارت پترزبورگ میرفت ملاقات کرد و در آنجا از خبر عزل میرزا عباسخان آگاه شد و راه خود را پیش گرفته در ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۸ بطهران رسید

گریپه قول واتسون دبیر سفارت انگلیس و مؤلف « تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا ۱۸۵۸ » « این امر را باید سیاست عادلانه و مدبرانه امیر نظام شمرد ، و با آنکه او پیش از هر کس در اردیباد قدرت حکومت مرکزی و حفظ استقلال کاملاً سعی بود مهرباناً اگر گاهی اختلافی با همسایه شمالی رخ میداد از خطر آن راه موافقت میسرد . » با وجود این موضوع آشوراده برای امیر فرقی العاده گران و ناکوار تمام شد . زیرا زمینه مساعدی

که او برای تعلیه آشوراده از قشون روسیه فراچیده بود نقش بر آب گشت و آشوراده همچنان در حالت اشغال روسها باقی ماند و از طرف دیگر مهدیقلی میرزا حاکم مارندران نیز عزل گردید .

امیر در مسائل دیپلماتی و تماس با روس و انگلیس کاملاً بصیر و بینا بود و با مهارتی که در سیاست داشت هرگز رفتاری نمیکرد که بهانه ای بدست روسها افتد و اسباب رنجش فراهم گردد ولی اعمال سیاسی خود روسها سوء سیاست بخرچ میدادند چنانکه در مورد آشوراده امیر تمام پیش بینی های لازم نموده و حتی خطر را نیز بروسها اعلام داشته بود. آن روسها و دند که گول خوردند رشته کار را گسیختند . شاید بایک نظر سطحی گمان میرود که روسها از نظر مصالح خود خوب مازی کرده اند و از این قضیه پیروزمند بیرون آمده اند ولی چنین نیست اگر قدری بیشتر تعمق نمایند و ببینند صریحاً راکی برد و صحنه بصره چه کسی تمام شد حقیقت را خواهند یافت .

روسها در این ماجرا فقط حاکم مارندران را معزول نکردند بلکه دربار ایران را از خود مشغول و متهم ساختند و بر عب و هراس آنان افزودند ولی انگلیسان يك حصه بزرگ سه برد قرارداد منع برده فروشی را با ایران منعقد ساخت که در بخش دیگر بدان خواهیم پرداخت

روسها با اشغال جزیره آشوراده که تا سال ۱۹۲۱ بطول انجامید نفوذ خود را در آن نواحی توسعه داده ایستگاههای نظامی و لنگرگاههایی برای سفاین جنگی خود احداث نمودند

موضوع آشوراده بدینجا خاتمه نپذیرفت بلکه مدتها نیز از مسائل سیاسی ایران و روسیه بود که دائماً بر سر آن مذاکره میکردند

روسها بعد از عزل امیر برای اینکه رقیب خدرخان یعنی چرکس خان که مورد عزت و احترام تراکمه و دولتخواه ایران بود از میان بردارند دست بحیله و تزویر زدند بدینمنی در بیایگی آشوراده روزی او را بجهت بیصل دادن امور تراکمه دعوت کرد هنگامیکه چرکس خان برای مذاکره در باب

تجارت تر کمانان آمده بود روسها ویرا گرفته بیجای تر خات برده زندانی میکنند وقتی که ایران باین عمل متعديانه روسها اعتراض کرده استخلاص و استرداد او را میخواهد چنین جواب ميشود که :

« مومی اليه اسلحه بدست مثل سارق بحری دستگیر شده است و رفتار درباره او مثل درباب سارق بحری موافق حق بحریه همه ملل بعمل آمده است » این عمل مامورین روسی که يك وصیت خدمتگزار دولت ایران را دزد بحری معرفی میکنند و راضی باسترداد آن نمیشوند همینطور معوق میماند تا اینکه صدر به سفارت پترزبورگ معین و مامور حل این موضوع نیز می شود .

تخلیه آشوراده از قوای روس نیز از موضوعات معوقه ایران و روس میگردد و پس از اینکه میرزا آقاخان بوری سیاست یکجانبه پیش میگردد دیگر روسها روی خوش و مساعدی برای حل قضیه نشان نمیدهند ولی اگر هنگامیکه تحولات سیاسی اروپا مقدمات جنگ کریمه را فراهم میآورد، و روسها خورد را بی یار و یاور دیده بدوستی ایران بی اندازه قدر و قیمت میدادند ، و « آچکوف » با اختیار تام بایران میآید که دوستی ایران را جلب کند و قرار داد اتحادی با ما به بندد، ما دارای مرد سیاسی و لایق موقع شاس و وطن دوستی نه چون میرزا آقاخان بودیم البته میتوانستیم از فرصت بهترین استفاده ها را ببریم یعنی لااقل آشوراده را از چنگ روسها برهانیم چنانکه روسها در این تاریخ ۱۲۲۱ — ۱۸۵۴ بحق مالکیت ما اعتراف کردند (۱)

در سال ۱۲۸۲ — ۱۸۶۶ ناصرالدین شاه مسافرتی به آشوراده میکند و قوای تأمینیه روسی را علیه تر کمانان تثبیت مینماید . ۲  
جزیره آشوراده تا سال ۱۹۲۱ در تحت استیلای روسیه بود تا اینکه در اینسال عهد نامه ای بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی منعقد

گردید و فصل سوم آن چنین مقرر کرد که دولت اتحاد جماهیر شوروی «از جزیره آشوراده و سایر جزایری که در سواحل ایالت استراباد واقع هستند صرف نظر مینماید و همچنین قصبه فیروزه و اراضی مجاوره آن را که دولت ایران بنا بر قرارداد مورخه ۲۸ ماه مه ۱۸۹۳ بروسیه واگذار کرده بود بدولت ایران مسترد میدارد.»

پس از معاهده ۱۹۲۱ دولت شوروی تمام آبنیه اشوراده را از مدرسه و مریضخانه و استحکامات خراب کرده آنجا را بتصرف ایران باز داد ولی از واگذاری قصبه فیروزه بعنوان امنیت عشق آباد امتناع کرد البته تحولات سیاسی که در ایران رخ داده بود در این استدلال و بهانه جوئی مؤثر بوده است و چون بحث در آن مربوط بتاریخ معاصر ماست از سر آن میگذریم.

#### ۴ - سفارت صدر پترزبورگ و تأسیس مصالحتکاری در تنلیس

سابقاً اشاره می رفت که از اقدامات سودمند و مهم امیر کبیر احداث سفارت دائمی در لندن و پترزبورگ است که در تاریخ روابط سیاسی ایران بی سابقه بود بیت و مقصود وی نیز از استقرار رابطه مستقیم با آن دودربار حل و فصل امور معوقه ای بود که در اثر اعمال نظرهای وزرای مختار روس و انگلیس پیش آمده بود و چون این بحث را وقف روابط سیاسی ایران و روس نموده ام ضرورت باید در اطراف اشاء نمایندگی سیاسی در دربار روسیه مطالبه ای نمایم.

فکر تأسیس سفارت در پایتخت روسیه از همان سال اول صدارت امیر در مدظهوری بود و در سال ۱۲۶۵ که ژنرال شلیک برای عرض تهنیت جلوس ناصر الدین شاه طهران آمد امیر قصد کرد که سفیری روسیه گسیل دارد و با پرنس دالگوروکی و ژنرال شلیک نیز در این زمینه مذاکراتی عمل آورد منتها اجرای این بیت مدتی در بونه تمویق و تعطیل بود زیرا نیکلا امپراطور روس هنوز موافقت نکرده بود ولی در اواسط سال ۱۲۶۷ که مسأله آشوراده در پیش بود امیر مصمم شد که مظهر سابق خود را عملی سازد این بود که پرنس دالگوروکی در ۳ شعبان ۱۲۶۷ نوشت :

«چون برای استکمال ضوابط و مراددات و استحکام روابط یکجبهتی و متحدانت و محاسن همجواریت لازم است که پیوسته رسم رسل و وسایل از دو جانب شوکت جوانب ایران و روس متواصل بوده و حق انصاف این است که اولیای دولت بهیه روسیه این قاعده متعصبانه را خوب رعایت کرده باوصف اقامت آنجناب در این دربار اندنصاب باز برای تهنیت جلوس همایون سفیری مخصوص مأمور و روانه داشتند لکن از اینطرف قرین الشرف ملوکانه تا بحال این قاعده نامرعی و مهمل مانده است لهذا سرکار اقدس شاهنشاهی ابدالله عیسه و ایدچیشه درین اوقات بر ذممه خدیوانه خود لازم دیدند که یکی از اجله چاکران دولت و باریافتنگان اعتاب علیه حضرت را بر رسم سعادت مخصوصه با نامه مهر علامه بدربار اعلیحضرت قوی شوکت امپراطوری مأمور و روانه دارند که سفیر مزبور با بلاغ نامه همایون و ازدیاد اتحاد شوکتین ابد مقرون پرداخته نیز مکنوناتی و مستوراتی که تا بحال در مکان ضمیر مهر تخبیر اعلیحضرت شاهنشاهی کامی است بیواسطه در اجن مهور ظهور آن اعلیحضرت بر صه شهود و بروز در آورد چون لازم بود مراتب را با آنجناب اظهار داشت « چون دولت روسیه با تأسیس نمایندگی از طرف ایران چندان موافقت نداشت سفیر آن دولت جواب تحاش آمیزی بامیر نوشته ابتدا ایراد میکند که چرا اسم سفیری که نامزد رفتن بروسیه است ذکر نکرده اند و علاوه مینماید که از این سفارت نتیجه ای جز « ظهور رسومات تعارفی » بعبارت دیگر انجام کارهای تشریفاتی عاید نخواهد شد . و امساع خود را باید که امپراطور یکمرتبه « از این تکلیف محبت آمیز اجتناب » جسه تعویت میکند . ضمناً اظهار مبدار دارد که سفیر دایمی روسیه در طهران بخوبی تسهیلات مطونه را در روابط دو دولت بدست میدهد ؛ ولی جواب قطعی را موکول کسب تکلیف از دولت متبوع خود میسازد .

اینک عن پانسح وزیر مختار روسیه بامیر کبیر : ۱۷ شعبان ۱۲۶۷  
«مراسله آنجناب که ضمناً بدوستدار اظهار داشته بودند که مقضای روابط  
دوستی و اتحاد میانین دولتین بهیتین روس و ایران و اعلیحضرت پادشاهی

منظور دارند که یکی از اجله پانگراں دولت علیه را بوصف سفیر مخصوص نزد اعلی حضرت قدر قدرت ولی النعمی امپراطور اعظم مأمور و روانه فرمایند تا بیواسطه مکتوبات و مستورات ضییر منیر اعلی حضرت پادشاهی را در انجمن حضور مهر ظهور اعلی حضرت امپراطوری بعرصه شهود و بروز در آورد رسیده آنچه که باعث حیرت دوستدار گردید این است که اسم شخصی که از برای چنین سفارت بزرگ مشخص شده است برده اند چون در حین جلوس همایون اعلی حضرت پادشاهی هم همین اراده را ظاهر فرموده بودند و دوستدار مراتب را بعد از مأموریت جناب جلالت آباء جنرال شلیک بعرض دولت فخریه رسانده دوستدار بغیر از پاره ملاحظات مختلفه دیگر نیز با آنجناب جلالت آباء اعلام کرد که اعلی حضرت امپراطوری از اظهار ادب و محبت آمیز دولت متحد خودشان اعلی حضرت پادشاهی امتنان حاصل نموده اند لیکن نظر مبارک ایشان چنین آمده بود که از ظهور رسومات تعارفی نمیتوانست بر قدر مسطورات حسنه اعلی حضرت پادشاهی که ایشان میدانند چیزی بیفزاید اعلی حضرت امپراطوری در آنوقت بر خود لازم دید که ازین تکلیف محبت آمیز پادشاهی اجتناب جوید زیرا که اعلی حضرت پادشاهی میتوانند خود را از اجرای منظور خودشان معاف بفرمایند بجهت اینکه بملاحظه منعمت واقعی حضور سفارت دایمی دولت بیه روسیه در دربار ممدت مدار اعلی حضرت پادشاهی همه سهولت مطلوبه را برای تبلیغ اطهارات جانبین برای دو دولت بدست میدهد چون بر دوستدار لازم است که منظورات اعلی حضرت ولی النعم خود را بطوری که باید اطهار بدارد و دوستدار خود را مأدون نمیداند که آنجناب جلالت آباء را ترغیب نماید که منظورات متحسنة اعلی حضرت پادشاهی درینباب بعمل آید و در هیچ حالت در ستاد نمیتواند قبل از وقت بهر ستاد سفیر دولت ایران مدار السلطه بطرز نورغ راضی شود پیش از رسیدن بدو. تدار احکام از جانب اعلی حضرت امپراطوری درینباب از خیابار دوستدار بعید است که بخواند در مناره حق دولت علیه ایران که سفیر را معین نماید بر آید و عجله که دوستدار بکار برده است بجهت امضای باشپرد سمت ممالک روس از برای مقرب الحان عزیز خان آجودان باشی بسفارت مخصوصه نزد نواب مستطاب ولیعهد امپراطوری

گراوندك ومامور بوده دليل قطعی درینباب است اما بغیر از حق درپولی تيك  
اره مناسبات متداول است كه قدر کلی دارند و هر دولتی باید طالب و راعب باشد  
كه باقتضای آنها رفتار نمایند .

باین ملاحظه دوستدار خود را مأنون نمیداند كه الان خواهش دولت  
علیه ایران را بعمل آورد اما کوتاهی نخواهد كرد كه موافق تكلیف خود و بلااقل  
درنك منظورات اعلیحضرت پادشاهی را باطلاع اعلیحضرت امپراطوری  
برساند . »

احداث و تاسیس این نمایندگی در پترزبورك برای ایران بسیار لازم  
و ضروری بود و شاید اگر تا رمضان ۱۲۶۷ ایران توفیق حاصل نموده و  
سفارت را دایر نموده بود داستان آشوراده تا آنجا نمی انجامید و مهدیقلی  
میرزا عزل نمیشد چه دالگوروكی دیگر نمیتوانست تنها نقاضی برود و باشكایت  
و سعایت ذهن امپراطور روس را مشوب گرداند كه وقتی میرزا عباسخان نماینده  
ایران بپترزبورك میرسد كار گذشته باشد .

لزوم حتمی تاسیس سفارت در پترزبورك امیر را واداشت كه پافشاری  
كند و اصرار بخرج دهد تا روسها موافقت خود را ابراز نمودند و امیر کبیر  
نیز میرزا محمد حسین صدر قزوینی پسر میرزا فضل الله معلم نایب الساطنه عباس  
میرزا را كه از زمان محمد شاه «صدر دیوانخانه» بود با مزد سفارت ایران كرد  
محمودخان قراگورلو كه بعداً وزیر مختار شد و در دربار ناصر الدین شاه به مقامات  
عالی رسید و سابقاً نایب اول آجور اباشاهی كل عساکر ایران بود به نیابت اول  
سفارت ایران بر گزید . یحیی خان یاور ( برادر میرزا حسینخان سپهسالار  
پسر میرزا نبی خان امیر تومان) كه بعداً معتمدالدلك و سپس مشیرالدوله  
لقب گرفت و بوزارت خارجه ایران نیز رسید سمت مترجم سفارت برگماشت  
میرزا نريك نامی نیز بعنوان منشی سفارت روانه پترزبورك گردید و به نفر  
بیر بنخدمتگرادی این هیأت روانه شدند .

---

۱ - خدمه سفارت كه همراه صدر پترزبورك رفتند از روی سواد

تذکره او عبارتند از : محمد تيك - احمد تيك - يوسف تيك - استاد محمد علی  
طبایح - استاد میرزا شربت دار - قاسم تيك - عبدالحمید - علی اکبر آدم محمود -

خان - حاجی حسن



سواد فرمان آفتاب المعان همایون که از آن فرخنده عهد خجسته نشان والای  
 خلافت خسروی از صدر دیوان تقدیر به تقریر دولت ابد نظر ما بطراز طقرای  
 خلود موشح و مزین و صورت خورشید نمای شاهد این سلطنت جاوید از  
 پرده تاییه معلی بحلیه تأیید در عالم شهود و مشهود و مبین افتاده مارا هواره  
 بر مرات و معالی همت که چهره نمای معانی مرحمت است صورت این  
 مدعا منطبع و منظور و مکنون ضمیر آفتاب نظیر است که مقربان دربار  
 خلافت بیخلاف و محرمان حریم بارگاہ عالم مطاف هر آنکه نشان معائن  
 خدمتش طراز پیکر قابلیت کامل آید و آیت قبول مساعیش و شاخ صدر صداقت  
 شامل نماید شمول مکنونات عوالم مخزونه را روز بروز در باره او آیت  
 ظهور و بروز افزایم با افزایش مدارج افتخارش انا فاء مخزونات عوراف  
 مکنونه را جلوه پیرای ساحت هیون هر مائیم و شهود صورت اینمقال از مرآت  
 احوال جناب سعادت انتساب فطانت و متانت اکتساب مبعدهت و نجات مآب  
 اخلاص و ادارات آداب میرزا محمد حسین صدر دیوانخانه نزرک پادشاهی عکس  
 نماست که اباعنجد شیشه ارادت و اخلاص کیشی و شیوه صداقت و هوا خواهی  
 موصوف و خود او پیوسته به مهمات و خدمات و معضله مؤمن و مومن  
 آمده در این اوقات که او را برتبه سعادت مخصوصه منصوب و از دربار  
 همایون مامور بدربار دولت معمم اعلی حضرت اسرطورا عظیم کل ممالک روسیه  
 میگردیم مراحم و اشفاق مهر اشراق شاهانه شامل احوال او گشته او را  
 باعطای یکقطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول با حمایل سبز معتخر و  
 سرافراز که نشان مبارک را ریب صدر معاحرت و حمایل سبز را و شاخ پیکر  
 ارادت ساخته بیش از پیش حسن ارادت و خدمتگذاری خود را بعرصه شهود  
 جلوه گر سارد مقرر آنکه عالیجاهان . . . . . شرح فرمان مبارک را در  
 دعواتر خلود ثبت و ضبط نمایند و در عهد شناسند فی شهر ذیعهده ۱۲۶۷  
 هیات سعادت ایران در دهه اول ذیعهده ۱۲۶۷ ز طهر از بسوی در او بطرز و رک  
 حرکت کردو در خاک روسیه همه جا مورد پذیرائی گرم و دوستانه آندولت  
 قرار گرفت ولی هنوز بیابخت روسیه بر سیده بود که امیر عمرل شده و مبر را آقل

خان نوری مسیو جان داود مسیحی مترجم را نیز مأمور سعادت ایران بوده روانه میدارد .

بناظر ما این شخص نیز از اشخاص مرموزیست که در کار حکومت ایران بوده است و ما نسبت بدو بچشم سوء ظن مینگریم و از سعادت میرزا آقاخان نوری که او را «چاپاری» روانه کرده و «با احتیاط بنگارش» معرفی نامه او مبادرت میکند چنین استنباط میکنیم که او نیز با گروه اجنبی پرستان ایرانی هم مشرب و مسلک و دست اندرکار بوده است

معرفی نامه مسیو جان داود مسیحی از طرف اعتمادالدوله نوری به صدر «... حالا که عالیجاه فطانت و فراست همراه زبدة الاعیان العیسویه موسی جان داود مترجم اول دولت علیه بر حسب فرمان قنضا جریان پادشاه خلدالله ملکه و سلطانه مأمور شد که در حکمال تعجیل و چاپاری خود را ببطرز بوغ رسانیده از اجزاء سفارت آن مخدوم محسوب و بمترجمی اول آن مخدوم منصوب باشد با احتیاط بنگارش این مراسله پرداخت که اولاً این معنی را بداید که عالیجاه مومی الیه آدمی با بصیرت و آگاه و همیشه در کارهای این دولت بوده خصوص در امور دایره بین الدولتین ایران و روس استحضار کلی دارد راز حقایق بطون و امور کار آگاه است ثانیاً کمال و اطمینان و خاطر جمعی حاصل است که انشاءالله زیاده از حد در بن سربکار خدمت دولت بر میخورد و دلیل و معاون خوبی برای شما هست . معلوم است که شما هم او را بچشم مترجمی فقط ملاحظه نخواهید کرد بلکه در جزئی و کلی امورات اراو مصلحت و مشورت خواهید نمود .»

در نامه دیگری مینویسد «منارالیه (مسیو جان داود) آدم باهوش از همه حا آگاه و صاحب عبرت است . اسبابی بهتر از این برای شما دست نمیدهد . انشاءالله امیدوارم که با کفایت شما و صمیمیت و صداقت مشارالیه امورات بر وفق مرام بگذرد .»

خلاصه میرزا آقاخان نه تنها جان داود را مردی صیر و آگاه از «بطون» سیاست ایران و روس معرفی میساید بلکه او را «معاون» و حتی «دلیل» و راهنمای سهیر تعیین میکند و چون در همین حا و هنگام است که صدر —

اعظم بوری صدر دستور میدهد که وسائل تعمیر و عزل دالگورو کی سفیر روس را فراهم کند (۱) این اقدامات را پیشتر قابل تأمل میگرداند .

دستورالعملی که صدر داده میشود حاوی مسائل ذیل است

۱ - داسان آسوراده و جوار عبور دریای خزر

۲ - موضوع تقیه عزامت حنک با روسیه

۳ - واردات و صادرات ایران

۴ - مسیح تحت الحماکی معنی اتباع ایران و تجدید اختیارات

دالگورو کی

۵ - قصه میرزا داود

۶ - تذکره اتباع ایران و روس

میرزا حسین صدر دیوانخانه مأمور بود این مسائل که در باره برخی

از آنها میرزا عباسخان نیز مذاکراتی کرده بود با دربار پطرز بورغ دوستانه در میان گذاشته حل و فصل نماید .

الف - اشوراده : در این باره گفتمی ها گفته شده است و حاجت بشکوار

بیست فصل باد آور میشود که دولت ایران استدلال میکرد که چون

بر کمانان تأدیب شده اند وجود کشتی های روس ضروری ندارد و باید فرار

خواهنده شود و علاوه آسوراده که منک طلق ایران است باید تحلیه گردد .

رفع تهمت از مهدیقلی میرزا و موضوع داشتنی دریایی روس را از صدور

گذرنامه بمنظور آمد و رفت ترکمانان باستر آباد و نریدران معاضا های

دیگر دولت ایران بود .

ب - موضوع تقیه عزامت معاهده ترکمانچای سابقه تاریخی آن اینستکه

در وجه فصل ششم پیمان تنکین بر کمانچای ۱۲۴۳ - ۱۸۲۸ دولت ایران

تعهد کرده بود که ده کرور تومان ( بیست میلیون مساط ) عزامت حنک بدوات

روس پرداختد .

ترتیب پرداخت عزامت را فصل دوم قرارداد معاری بر کمانچای چنین

معین میکند که سه کرور آرا بعد از ۸ روز از انعقاد معاهده ( ۱۳ شعبان

---

۱ میرزا آقاخان ابن موضوع را در سند خدمت خود نیز آورده است

( ۱۲۴۳ ) دو کروور دیگر را پانزده روز بعد ( ۲۸ شعبان ) سه کروور را هم در رمضان ۱۲۴۳ بدولت روسیه تأتیه نماید. پرداخت دو کروور آخری به ۲۲ جدی برابر ۱۸ رجب ۱۲۴۵ موکول شده بود

در باز طهران از بابت پرداخت این خسارت فوق العاده عصبانی بود و از دعوی نامه فتحعلیشاه عباس میرزا که در منشآت قایم مقام ثبت است ( ۱ ) این غضب آشکار است ولی ماتماف نعت و انضجار فتحعلیشاه اضطراب را شش کروور تومان تهیه کرده برای نائب السلطنه فرستاد. دو کروور تومان دیگر نیز لازم بود که تا سوم صفر ۱۲۴۴ فراهم آید و الا آذربایجان بگرو میرفت نائب السلطنه نیز سب و روز در یک حال اضطراب و قلقی سر میکرد که شاید چاره‌ای اندیشد. خان ما کدونالد وزیر مختار انگلیس حاضر شد که در مقابل دویست هزار تومان فصل سوم و چهارم معاهده ۱۸۱۴ ( ۱۲۲۹ ) را که شرح آن در مقدمه گذشته از دولت ایران بخرد و دولت انگلستان را از ریز بار عهدیکه هرگز بدان عمل نکرده بود برهاند

بالاخره ابن عباس میرزا و جان ما کدونالد موافقت حاصل شد که اسناد پانزدهری از شاه و نائب السلطنه در نابالعو و طالان وصول معاهده مزبور که از خطاری برای آنان بود بگردد و ماسه سند مزبور را عینا ار قرآنی های هند ۲ « عمل میکنیم

سند اول : نامه عباس میرزا ، نائب السلطنه به کنزل خان مکدونالد ( ۳ )

وزیر مختار انگلیس

« کتل مکدونالد وزیر مختار دولت فخریه انگلیس بداند که ما عباس میرزا نائب السلطنه دولت عنیه ایران که دارای اختیارات کامله از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی میباشیم که در مسائل خارجی مملکت از هر قبیل که باشد دخل و تصرف کنیم قول و اطمینان میدهیم که اگر دولت انگلیس مبلغ دویست هزار تومان ما کمک کند که بقیه قرض خود را بدولت روس بدهیم

۱ — منشآت قائم مقام صحنه ۴۹ — ۴۵

۲ — قلم آقای محمود — محمود

John Macdonald — ۳

ما مواد سه و چهار معاهده ۱۸۱۴ را صکه بین دولت ایران و نماینده دولت  
فنیة انگلیس مسز الیس منعقد شد لغو و باطل میکنیم . مارس ۱۸۲۸ -  
مهر عباس میرزا نائب السلطنه - مهر قائم مقام  
سد دوم :

«در باب مواد سه و چهار معاهده میمون بین دولتین ایران و انگلیس که  
بنماینده گی مسز الیس در ماه ذیقعدة ۱۲۲۹ یا در ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴ منعقد شده  
چنانکه باشا بطور رضایت خاطر قرار شد مبلغ دوپست هزار تومان رایج  
مملکت ایران بطور کمک برای خسارت هایی که در جنگ ناروس بدولت  
ایران وارد شده بدهید .

«(ما) وایعهد دولت علیه ایران که اختیار کامل برای مسائل ملت و مملکت  
را دارا هستیم قبول میکنیم که آن دو ماده لغو و باطل شود و بلك سد قطعی  
میدهیم که آن درید اختیار شماست

«در ماه ذیقعدة که بحضور اعلیحضرت شهر یاری در طهران تشریف حاصل  
بودیم نظر بنوشته که میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه بعنوان سما  
فرستاده ما یگانه عاملی هستیم که اعلیحضرت همایونی با اختیارات تام و  
نامحدود معین فرموده اند . بنابراین که دولت اعلیحضرت انگلسان بتوسط شما  
مبلغ دوپست هزار تومان را تأدیه نموده ما نماینده مخصوص اعلیحضرت  
همایونی در این تاریخ که ۱۴ ماه صفر ۱۲۴۴ و ۲۴ ماه اوت ۱۸۲۸ عیسوی  
است دو ماده را در معاهده میمون دولین انگلیس و ایران است لغو و باطل  
می کنیم .

«نماینده مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بداند که این سده معتبر است  
و دیگر راجع بدو ماده فوق الذکر وزراء اعلیحضرت شاهشاهی بعد از این  
بهیچوجه مذاکره نخواهند نمود

(مهر عباس میرزا نائب السلطنه)

سد سوم

هرمان اعلیحضرت قدر قدرت شاهشاه اعظم فتحعلی شاه قاجار که دو

سند نایب السلطنه را تصدیق میکنند .

« مخفی نماناد به کلل ما کدونالد وزیر مختار دولت انگلستان که فرزند ارجمند ما اخیرا قرار داده است دو ماده ای را که معاهده دولت علیه ایران با دولت انگلستان است لغو شده این اقدام هرزید ارجمند ما بر حسب فرمان و امر شاهشاهی ما بوده که با شما این قرار را داده و بتصدیق شاهانه ما رسیده است . »

عباس میرزا بهزار زحمت و مرارت توانست شش کرورونیم از غرامات را روسیه بپردازد . روسها آذربایجان را تخلیه کرده فقط خوی را در گرو داشتند که يك کرورونیم بقیه هشت کرورون اصول کنند . نایب السلطنه در این باب جدوایی بخرج میداد و بقیه غرامات را بتدریج میپرداخت پس از پرداخت هشت کرورون و قبل از سر رسیدن موعد تسلیم آخرین دو کرورون که مانده بود قضیه قتل گریبایدوف سفیر روسیه ( سوم شعبان ۱۲۴۴ ) رخ داد و مشکل تازه ای برای ایران ایجاد کرد . زیرا در این موقع ها بود که دولت ایران از تحمل بار گران غرامات امتناع آمیزه سعی میکرد با دولت روسیه فرار معتدل مری برای پرداخت غرامات بدهد که گریبایدوف کشته شد .

در همین روزها کاعذی ارقانم مقام در دست است که برادر خود میرزا موسی نوشته و بسیار مفصل و مهم میباشد که در خصوص دو کرورون نیز شرح قابل توجهی دارد که ایسک آنرا میاوریم .

« دو کرورنی که از کرورات عهدنامه مانده و در گناه اندک عفت شونده ماه دیگر موعد سررسید آن روی آن هست که از سر کار اتس ۲

« خواستگان معاصر در بد که ابتدا با بود قائم مقام و محمد میرزا سوارت بصیرت و درخ رو و بعد تعمیم فیبر کرد و خسرو میرزا و امیر نظام رنگد بر این سندی . این کاغذ در زور سائی رفته شده است که تکلیف تعلیمی و موضوع معلوم نشده بوده است و همگس آن نام در صرف آقای خان ملک معاصاتی میباشد . »

۲ — اسنوه عباس میرزا نایب السلطنه

استدعا شود به چاره داریم که از جای دیگر فکر کنیم به از این رعیت  
و نوکر که اینجا هستند دیگر چیزی میتوان گرفت . دیدم که درین کرور  
خوی بر خاق چه گذشت تا در يك ( - ) از قد و حسن دادند .  
دو کرور چیزی نیست که باسان آسان عمل آید . بقلم حساب گردنت  
بزبان حکایت سودی آسان است اما پول کردن و از خلق بر آوردن آنقدر  
دشووار است که بعد استحال می رسد ... آخر سخن این است که هر گاه دو کرور  
را وضع خوش چاره توان کرد البته رفتن من نرفتن هزار بار تو چیچ دارد و سایر  
کارها را باید تاب آورد و حوصله کرد تا مدای تعالی بامس و گرم شود سازد .  
هر گاه دو کرور را چاره بتوان کرد حواه این سفر را من بروم تا دیگری  
یا معتمد الدوله رود باید قبل از وصول این مواعده خود را به بطور روح رسا  
در این مدت تلاشی نکم بلکه بفضل الله تعالی عمل آید و این وجه از  
گردن بیفتد از عرور فرنگی ها دور است که با عمل من خود بروم و حد  
تغواسته هیچ کار از پیش برود آنکس کار دسا امید است و عمی الظاهر در این  
سفر امید کار سازی هست والسلام والا کرام»

عاقبت خسرو میرزا و محمد صالح رنگه بضر زبورک میروند و سالی  
اول يك کرور از عرامت جنگ را با خبر نام این شاهزاده دولت ایران مستخدم  
و موافقت میکنند که يك کرور آخرین را هم پنجساله سردارند  
از این آخرین کرور صند و هفتاد هزار تومانس در عهد سلطنت محمد  
شاه دولت روسیه پرداخت سه وی هجور ایران زیر دین بقای آن بود که  
امیر بصدارت رسید.

میرزا تقی خان سعی داشت که با روسیه را از گرفتن آن همه عسارد  
یا افساط را کمتر قرار دهند که پرداختن آسان باشد . در بار روسیه نیز در  
بنادیت امر چندان اصراری در اختیار آن نداشت ولی با متباد معاد اسناد رسمی  
آن عهد وزیر مختار روس دولت متبرع خود را به مخاطبه آن وزیر  
می کرد . این بود که از طرف امیر در جزو دستور العمل صدر دگر شده بود  
که موضوع را با در بار بطرز بوزک مورد مذاکره قرار دهد  
س از امیر میرزا آقا خان نیز سعی کرد که از دولت روسیه به پای

دهساله نگیرد ولی موافق نگردد و زین موضوع همیشه مورد مذاکره و گفتگو بود تا اینکه مقدمات اتحاد دول اروپا با عثمانی علیه روسها پدید میآید و حاکم کریمه پیش میآید.

روسها بدوستی ایران و احتیاج شدیدی به امور فوق العاده ای نظیر این روانه میسازند که ایران را بسوی خود جلب کنند و معاوضه ای معتقد سازند و در معالی از نه کرور گذشت نمایند.

تفصیل این داستان عنبریم خواهد رسید و فقط یادآور می شویم که بموجب معاهده سری ۱۸ محرم ۱۲۷۱ (برابر ۲۸ سپتامبر ۱۸۵۲) و شرح صمیمیه آن اگر دولت ایران در حاکم بنظر میماند و دشمنان روسیه کمک میکرد (در حال اول) و مانع حمل مهمات برای دشمنان روسیه میشد (محل دوم) بموجب معادل سوور دولت روسیه از طرف حورس بملاحظه اجرائی صحیح و همون مسطور در نظر بانجام با صداقت و حمایت و طایف دوستی و حسن دیوارت ، از جانب دولت ایران و اگر آن انجام در مدت کل بمقدار حاکم دولت روسیه با دشمنان خودسان عمل خواهد آمد و هیچ برهان موجه در خلال آن زمان بر بعضی آن شهادت ندهد ، در ضمن انعقاد صلح مطالبه نمیه آخرین کرور و مابقی را که دولت ایران الان هم بدولت روسیه معروض است کیش و انکار خواهد کرد .

س از حاکم کریمه و معاهده پاریس روسها از بغیة آخرین کروری که از تعارضت حاکم و بان کردن ایران مانده بود بمساست از بغیة تعهدات از طرف ایران گذشته و موضوع عراضات حاکم ایران و روس حاکم به است.

حکومت حمایتی از روسیه استعماره های که تمام دکان روس و انگلیس از امسارات و انحصارات خود دینمودند موضوع بحکم حمایت گرفتن کسانی بود که با آنان سر و سرور داشتند و از اعمال و دست بسازنده های آنها بودند . مایه شدن حاکمین بن ادای ایران در مورد حمایت برادر دانه و بی گذارند که مورد ادب شرع و عرف است مابین اجرائی نمودن گامی آنها در از تبعاع خود مشغولند . این حمایت سه دکان چند نوع بودند . دسته ای



تاجر که مال مردم را برده و حاضر بچران نمیدانند عده ای لوطی و شریر که مثل امنیت و آرامش شهرها و موجب بی نظمیها بودند از قبیل آقا حسن عبدالقادر و آقا قاسم تبریزی که روسها از آنها حمایت میکردند - صدر ماموریت داشت که قبح و ضرر اینگونه اقدامات را در دربار روسیه تشریح کرده و دستور بگیرد که سیر و کنسول آنان را از اینکارها باز دارد در بخش روابط ایران و انگلستان آنچه مربوط با نجاس خواهد آمد در این فصل داستان میرزا داود را که مربوط بروابط ایران و روسیه می باشد تشریح میکنیم .

د - فیه میرزا داود :

حون ، عتدالدوله مسوحر جان گرجی حاکم اصفهان در گذشت (۱۲۶۳) دارائی منقول او را از قبل خواهر اب و نفود و اشاء نهیسه خواهر زاده اش میرزا داود که آهنگام در اصفهان بود بصرف گرفت و با دوست هزار تومان وجه خرابه دولت که منوچهر خان نوبی سرده بود بگرجستان میبرد . این هنگام که مقارن صدارت حاجی میرزا آقاسی است گفتگویی در سره میرزا داود و وجوه دیوانی بین ایران و روس پیش می آید و دامنه اس بران امیر می کشد حرف دولت ایران که

میرزا داود که فریب سی و سحسان در ایران سر برده در ده دولت ایران و ده در عهد محمد شاه بی سندی داده است که صریحاً نسبت او را نسبت بران مدعی است

اسیاء و منیر ، می مسوحر جان عتدالدوله بر انداخته میرزا داود گفته است و رأی باب اس و صرح هست و جنس دم شده است

و در بعضی از حرات دولت از طرف محمد شاه خواست میرزا داود سرده شده بود است که در بار آقا حاجی میرزا آقاسی پس گیرود بران و ده میرزا عیچان و بیست هزار تومان قام داد کرده اند

و نکوزوکی سپر روس حان است و آن که در کار و داود مد کوف است و سوری دولت عتدالدوله را حیار نگارده و با واحد رعایای

اعلیه حضرت پادشاهی محسوب شده بود کاغذی که به مرحوم حاجی میرزا آقاسی نوشته و آنجناب زحمت کشیده و سواد آنرا نزد دوستدار ارسال فرموده بودند همسقدر شهادت میدهد که عالیجناب مشار الیه بواسطه توقف طولانی ایران عادت کرده بود باینگونه تعارفات رسمیه که اغلب اوقات مکتوبات خاطر را برعکس مینماید»

دیگر آنکه «اولیای دولت علیه ایران قبل از آنکه به پیچوجه من الوجوه حقی در باب متروکات مشخص شده است جمیع اموال غیر منقول مرحوم معتمد الدوله را از قبیل دهات - کاروانسراها و چاه ها و باغات و غیره بتصرف خود در آوردند . بعد از این ضبط کلی عالیجناب میرزا گرگین خان حتماً عیب مرحوم معتمد الدوله که در جوف این وصیت نامه بخط آن مرحوم بوده است» استدلال دیگر دالگورو کی در باب وجوهات خزانه است که «مرحوم حاجی میرزا آقاسی مقدار مبالغ مزبوره بحمل کرور قلمدان بود که عبارت دیگر زیاده از مصارف تنخواه جنگ و دعوات چون دعوات غلبه ایران پول کاغذ بانک ندارد لایم میشود جمیع شرهای ایران را بجهت حمل و نقل این تنخواه اصعبان واقع شود . اما آنجناب که بمعنضی حکمت حرد عادت ندارند که سیوه حاجی میرزا آقاسی رفتار نمایند . . . به عالیجناب غراب صاحب اعتقاد حرد را اظهار داشتند که مقدار آنچه عالیجناب کیسار منیکوف دارد میتواند ریاضه در دو ست هزار تومن و ده باشد . . .»

حالا که ملاحظه شد دالگورو کی همه جا سرور راود را باسم «کیسار داون منیکوف» میخواندند - که حرد دلیلی باشد که او تابعیت روسی دارد تا تو میباید میباید روسیه داشته تر نام جای در رسد کی این داری قضائی رسد که .

تو در ن . . . حسی مکاتبات یک . . . و . . . کاری متخیر از دالگورو کی و یک ادعایی غریب از حسی میرزا آقاسی بر میخوردیم که این . . . داون داون داون . . . تعارفات رسمی که تا مکتوبات ضمیر را برعکس میباید . . . ما در دلیلی . . . حرد کرور تومانی

ادعا میکند .

قدر متیقن که میرزا داود در حال جوانمردی و هدیهٔ معتمد الدوله را که مبلغی گزاف بود با وجوه دیرانی با خوردن بروسه برده و آندوات سز در هر دو فقره از وجه پشتمانی مسکرده است ولی یاغی‌آری دولت ایران با امر شد که قضیه بوکالت در خواجه تیرابت - ملك البحار روسیه در ایران درین طریق فیصله یابد که میرزا داود مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان بردارد. میرزا داود پس از این باز نغمهٔ مخالفت ساز کرده طریق ستمی در سزارد اندا میرزا آقاییخان بدالکوری کی اذلاح میکند که اگر «ما بیجاه میرزا داود نخواهد باره ای از امور مشککه پیش آورد و این امر را سعویق و تعطیل نگذارد و باطمینان اعضاء عدت و رهس از ایران لایحه همانطور که «مکرر نوشته شده است این امر را اعلیحضرت پادشاهی محول بر ای صراحت اعلیحضرت شاه را طوری میدارند و منتظر مستوند باجرای عدل و انصاف مدوگانه اعلیحضرت شاه را تود اعظم یقین است که آنچه آنجا که با انصاف و حیر خواه دولتین است قسمی قرار خواهد داد که (به) عالیجاه مشارالیه معلوم شود که انجام این امر امریست لازم و بدیهی است که آنچه در کز راضی بدشوند که حسرت این وضوح بایندولت برسانند .

هنگام عزیمت سدر چون دین میرزا در د عبور قسمه شده بود سوینا  
 آن در دستور العمل بی درج گردید  
 هـ الذکره عبور

لمسط عبور اذلاح دولین ایران و روس از دیگر دولتی بود که امر حل آنرا بعهده صدر و اگذارده بود . بدین توضیح که در حین بر زاده که در ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۶۰ (سوم رویه ۱۸۴۴) من حاجی میرزا آداسی و گراف مدیم جهت سیر فصل چهارم عهدنامه بر کمن چی ری منظم کار مهاجرت و مسافرت بخاک بکدیگر امضا شده منور گردید که در ایامی دولین بدون تذکره و در خصت نامهٔ مخصوص بخاک بکدیگر در آب و آه بکنند

و در صورت عدم رعایت دستگیر و بکار گذاران شوات مبعوضه خود تسلیم خواهند شد. و نیز مهاجرت اتباع طرفین باید بدون دخالت خارجیه صورت بگیرد. در همین باب موافقت نامه موضوعی که بین دو دولت در سال ۱۲۶۲ پیش آمد این بود که «مقاماتی صلاحیت دادن اجاره نامه و ناکره با اتباع خود بمطوره سفارت بخانک طرف دیگر دارند» دولت ایران میخواست چکه مأمورین سرحدی اختیار صدور بلیط عبور داشته باشند. دولت روسیه نیز اصولاً باین داشت که در محلی که سفارت یا کنسولگری نیست حکام و بیگار سگیان مجاز هستند که بلیط عبور صادر کنند (بمگر در صورتیکه ملاحظا با مردمان متهم بچکه بتوانند از رای آسایش ولایت نفقه زمناستان سوئد» امریکه در زمان امیر واجح تذکره بین او و سید روسیه مورد بحث قرار گرفته بود ایستکه روسیه میخواست که اتباع آنها هنگام ورود بایران فقط در یکجا تذکره خود را بدهد و عبور و مرور آنان در دیگر شهرها بی مزاحم و آزادانه و بدون ارائه گذرنامه صورت بگیرد و این حاضر نموده که برای ایران چنین امتیازاتی قائل شوند و چون نظر داشتند که حتی المقدور اتباع ایران هم روسیه را از تابعیت سابق خود محروم کرده تبعیت روسیه در آورند باینجهت سعی میکردند که برای اتباع ایران و تجار تسهیلاتی قائل بشوند تا آمند و رفت و آمد و مراحماتشان در روسیه دچار اختلال و زحمت نشده باشد که بمرک تا امید بن دردمند

امیر حاضر بچنین رفتاری بیست و موضوع را با اسناد معامله مقابله میخواست چو کند یعنی هر قدر که با اتباع روسیه رفتار میشود نسبت بایرانیان هم مجزا باشد

دالگورویکی سبب مخالفت میکرد این بود که امیر موضوع را در دستور العمل صبر گنجانده بود تا نامزاکره ادو بار بجز بوزخ راه حل منصفه ای اتحاد گردد

۱ - نامه دالگورویکی محلی دیر آلتاس در ۲۹ رجب ۱۳۰۰ - اسناد رسمی سیاسی

ضمناً بدالگورو کی نیز ابلاغ کرد که منتظر رسیدن دستور از پطرزبورغ  
باشد ولی وزیر مختار تعاشی کرده بطوری که گذشت چنین پاسخ داد: «دوستان  
احتیاجی ندارد که منتظر نتیجه مکالمات جناب جلالنماب صدر در پطرزبورغ  
باشد... زیرا که وزیر مختار روس در رابطه دیپلماتیکی خود نمیتواند هیچ  
حاکمی را بالاتر از دولت خود بداند... و دوستان بطریق بسیار رسانه پروتست  
مینمایند در باب جمیع سایرین قراردادهای مندرجه در کتابچه بد گره هائی که  
از جانب دولت ایران اعلام شده...»

این جواب سهرروس در ۱۲ محرم ۱۲۶۸ یعنی مدتی بعد از واقعه  
آشوراده بوده است و امیر برای اسکاٹ سفیر مجبور شد که به برزا مصطفی  
خان مستی مہام خارجہ آذربایجان دستور جدیدی داده و بگوید: «... از  
جناب جناب وزیر مختار شرحی نتازگی رسیده هنوز فراری که لازم است داده  
نشده است لهذا با حال حاضر دوست مهربان اظهار میشود که علی الحال نسبت  
به تنوع دولت مسارا ایپاسخگیری کرده منتظر احکام مجدد باشد... انشاء الله هر  
طوری که فرار شد کیفیت را برای استحضار شما می نویسم»

این داستان چنانکه پیش از این هم اشارہ شد از ۴ اردیست که گران-  
جانی و در حقیقت زورگویی وزیر مختار روسیه را میرساند که زیر بار احوال  
موسوع دربار ترقی دلمان مساعده را پیش میکشد که وزیر مختار روس  
هیچ حاکمی را از دولت خارج حرد نمیداند. مردی اینکه باو تکیه شده  
است «حقیقاً از او سلب نموده اند در حالیکه حرب دولت ایران به حمل  
امور و تحکیم و بسیار شده و فار اجرا آن ایستادگان همان همانکه در  
مورد با حضور در ایران با اتساع روس مسود در روسیه نیز نسبت با اساع  
ران و سعی که در دیگر دولت است» مستخواند و این دستاورد و چار  
و حواله را در بدرد.

عصر و صدارت امر وفا نکرد که «و شروع کرده را نیز حل کند»  
کنده... البته در السواہ بعاجی میرزا محمد خان مصلحتکار باجی ترخان  
حدی دستور... رتبه دولت روسیه با هموار بیت و باشد... تعداد و خودشان

که در دست دارند در سه جا که عبارت باشد از گیلان و آذربایجان و استرآباد  
بلیت و پاشیر خود را بامین تذکره دولت علیه نموده امضاء گرفته در داخله  
ممالک محروسه بهر جا خواسته باشد بروند همان را نشان داده و بگذرند .  
اما در باب رعایای تبعه این دولت علیه اگرچه موافق قانون دولتی حق دارد  
که بهین طور تذکره مرور دولت علیه را در سه جا نموده امضا بگیرند و  
در داخله مملکت دولت بیه روسیه بهر جا که خواسته باشند بروند ولی در  
این باب باجناب وزیر مختار گفتگویی در میان هست . حالا علی العجلاله بطوری  
که شما راه میرود اید باز بهمان طور بروید تا مخدومی وزیر دول خارجه  
قطع و فصل این فقره را با جناب وزیر مختار نموده هر طور قرار شد بآن  
نور چشم اعلام خواهد شد .»

مقصود از سه محل مزبور یعنی سریز و رشت و مازندران این است که  
ثبت در هر يك از آنها کافی بوده است و اتساع روس احتیاج نداشته که  
این عمل را در نواحی دیگر مجرا دارند و البته این تسهیل را برای اتساع  
ایران نمیخواستند و مراعات این حق را لازم نمیشناختند تا اتساع تاجر و غیر  
تاجر ایرانی را در تسکین و مضیقگی گیرند

کلیل سیل که از این موافقت ایران با روسیه خبر شد باستناد اصل  
« دول کامله الوداد » خواست که نسبت باتباع آنان نیز این قرار مجرا شود  
و آنان مجبور نباشند که در همه جا گذرنامه خود را ثبت نمایند و ثبت در  
يك نقطه کافی باشد اعتماد الدوله نیز موافقت کرده چنین جواب داد .

« یا دولت روسیه قرار این شد که در سه جا یعنی در استرآباد  
و گیلان و تبریز تذکره تبعه دولت بیه روسیه بگذرند با امضا و مهر امنای  
این دولت علیه برسد در سایر اما ملاحظه و مرور بد کرده نموده عبور کنند  
و کسی متعرض امضا نشود و آنکه آستان خواهش نموده بود که صورت  
همه اراداد سرحدات دولت علیه ایران روانه شود که با رعایای آن دولت  
بیه نیز برار مذکور معمول شود لهذا رئیس تذکره عبور و مرور اظهار  
شد که با امنای بد کرده ولایات سرحدیه اجبار و اعلام نماید که با رعایای

دولت بهیه انگلیس بدینقرار مرزور رفتار نمایند « ۱  
میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله ماموریت مهم دیگری نیز بوسیله خان  
داود عهدۀ صدر پاد و آن عمل پرس دالگوروکی وزیر مختار ترسخوی  
روسیه در طهران بود . اصولاً دولت ایران یکی چند بار درصدد انگلوه  
اقدام بر آمده است که سعرای خارجه مهم دربار طهران را که از حدود  
پراکت تعطیلی و اجرایی منجسته اند بازگرداند .

یکی از این موارد در عهد فتحعلیسه بود که میرزا صالح از طرف  
شاه و عباس میرزا مأمور شد که در لندن عند « واولوک » وزیر مختار انگلیس  
را بخواند . میرزا صالح نیز از عهدۀ این مأموریت بحدوی بر آمد و واولوک  
احضار شد .

در زمان محمدشاه میر حسین خان آجوداناشی برای فراخواندن مکنایل  
عزیمت لندن کرد ولی بالمستور از وزیر مختار خویش دعوت نمود و  
در نتیجه مقصود ایران عملی نشد .

میرزا آقاخان نیز چنین اقدامی در باره سعیر روسیه دالگوروکی  
نست رد ولی بواسطه توفیقی حاصل نکرد تا اینکه قضایای بعدی موجب احضار  
دالگوروکی گردید که تحصیل آنرا منشی سفارت انگلیس مشروحاً نگاشته است ۲  
بدینقرار که در ۱۲۷۰ (۱۸۵۳) که جنات کریمه مردهت شروع شود و ایجاد  
دول اروپا نعم عثمانی و برسد روس تشکیل شده بود ابحکف ۳ که سابقاً  
کنسول روسیه در تبریز بود عازم طهران گردید و ماموریت داشت که مستقماً و  
منحصراً بپادشاه طرف گفت و شنید شده نبوی مدخله صدر اعظم و محرمانه مذاکرات  
سری عمل آورد و قرار دادی سدید - ابحکف در ۱۶ رمضان ۱۲۷۰ بطهران  
رسید و پیشنهادهای او این بود که دولت ایران با روسها علیه عثمانی متحد شده در

۱ - اسناد رسمی سیاسی - نامه مورخه ۲۰ ریحانی ۱۲۶۸

۲ - Watson P 412 - 17

Anitchkov - ۳

سرحد آذربایجان و بین‌النهرین به عملیات نظامی پردازند و در صورت لزوم ایران دولت عثمانی اعلان جنگ نیز بدهد و در آراء قطلوب که متعلق بایران و در ۱۲۶۵ عثمانیها آنرا اشغال کرده بودند و همچنین قسمتی از بین‌النهرین را تصرف کند . و غرامت جنگ را نیز از دولت عثمانی بگیرد . و بالاخره از پرداخت ۵۰۰ هزار تومانی را که باید بابت غرامت جنگی روس بدهد معاف باشد .

سفر ترکیه که در ایران که از جریان امر مطلع گردیده بود . شش‌ماهه معتمدین خود دربار را تهدید کرد که اگر دولت ایران در این باره اطمینان کامل عثمانی بدهد روابط سیاسی را قطع خواهد کرد .

شاه که تهدیدات را دید موضوع مذاکرات با نماینده روسیه را پس اعتمادالدوله بیان گذاشت و از این بی‌حد همه اقدامات انجکف نقش بر آب شد و اعتمادالدوله شاه تلقین نمود که خوبست بجای اتحاد با روسها با عثمانی و متعین او هم‌دست گشته علیه روسیه جنگ پردازیم تا معاهده ترکمانچای را در هم شکسته ولایات از دست رفته را مسترد سازیم .

از این پس مذاکرات روسها برقم دلخواه آنان بصدر اعظم احواله شد . دالگورویکی چندین مساعیه با میرزا آقاخان عمل آورد که او را بقبول طرح سابق راضی کند ولی اعتمادالدوله سخت مخالفت میکرد تا آخرین مصاحبه ای که بین اعتمادالدوله و دالگورویکی روی داد وزیر مختار روس با حال عصبانی از جای بر میخیزد که در ضمن صحبت از سردیك بتایج امضا کردن قرار داد را باو خاطر نشان کند . در حالی که عصای خود را در دست جولان میداد و درخواست بیانات خویش را تأکید و تأیید نماید بگمرته عصا از دست او رها شده سختی ساق پای اعتمادالدوله میخورد . صدر اعظم ایران عصا را برداشته بدآسوی امکنده و مذاکره خود با سفیر روس خامه میدهد .

پس از این واقعه ، که سهاواتسون متعرض آن شده است ، دالگورویکی احضار میگردد . و در این موقع که روسها بی نهایت محتاج توافق نظر با ایران بودند تا این کیفیت و در اثر يك علت اساسی تر دچار شکست سیاسی



سختی شدند که برای آنان بسیار گران تمام شد و دربار ایران نیز از دست يك وزير مختار متلوت المزاج دهن بین و دل آزار رهایی یافت. بعد از این همان قرارداد دیگری که گذشت بین ایچکوف و اعتمادالدوله منعقد شد که ایران رویه بیطرفی اختیار کرد و روسها نیز از باقیمانده بدهی ایران سست غرامات معاهده ترکمانچای صرفنظر نمودند. میرزا محمد صدر چنانکه اشاره ای رفت در اواخر ۱۲۶۹ بطهران احضار گردید و در اوائل ۱۲۷۰ بطهران رسید و بعضه الملك ملقب شد. در موقع حرکت از بطرژبورغ نیز باخذ يك نشان « سن استانیسلاس » از طرف امپراطور نائل آمد. و ما برای احترام از اطناب فقط ترجمه نامه ای را که در این باب با امضای لیکف میرزا محمد حسین صدر نوشته اند ذکر می نمایم

جناب صدر - میرزا محمد حسین - آقای سفر

در این موقع که جنابعالی قصد مراجعت بایران دارید امپراطور مایلند برای ابرار مرحوم مخصوص خود نشان سن استانیسلاس درجه اول را که مکمل بالاس میباشد بجنابعالی اعطا فرمایند. آقای سعیر برای اینجنانب منتهی مسرت است که این صایت بزرگوارانه را با مستحضار جنابعالی برسانم و اظهار دارم که جنابعالی نیز این بوجه اعلی حضرت همایونی را بمنزله نشانه جدیدی از مرحوم عالی معظم له نسبت بحودیان تلقی خواهید فرمود

بصمیمه این نامه نشان مرور و فرمان اعطای آنرا ارسال میدارم و موقع را برای تجدید مراتب احترام مخصوص خود بجناب عالی معتم میسماوم  
۲۲ اوت ۱۸۵۳ - ایچکوف

اما تاسیس مصلحتگزاری: قبل از امیر کمیر تنها مصلحتگزاری که دولت ایران در خطه روسه داشت مصلحتگزاری حاجی ترخان بود که در عهد حاجی میرزا آقاسی توسط میرزا عبدالله خان مصلحت گذار اداره میشد. حاجی میرزا آقاسی در سال ۱۲۶۲ سعی کرد در تعلیس که محل